

بیرامون سفر هیئت نمایندگی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران:

برجنون جنایت و خودکامگی رژیم باید لگام زد!

✽ علیرقم تلاش رژیم در به تعویق انداختن سفر "هیئت نمایندگی" به ایران، این هیئت روز ۳۰ دی ماه وارد تهران شد.

اجلاسی از سازمان ملل است که روز ۲۹ ژانویه (۹ بهمن) صورت خواهد گرفت. انگیزه دیگر، جا به جایی زندانیان و کارهای مقدماتی در جهت زمینه چینی‌های فریبکارانه برای بازدید این هیئت از زندان‌ها بوده است. هر چند که تا کنون "جا به جایی‌های ضرور" در زندان‌ها صورت گرفته و زمینه‌ها آن گونه فراهم شده است که رژیم از گزارش آتی هیئت نمایندگی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل کمترین زیان را متحمل بقیه در صفحه ۳

علیرقم مقاومت‌ها و کارشکنی‌های مقامات رژیم، هیئت نمایندگی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، روز شنبه ۳۰ دی ماه به منظور رسیدگی به تخلفات جمهوری اسلامی در هر صه حقوق بشر و تهیه گزارشی از موارد نقض حقوق بشر در ایران، وارد تهران شد. جمهوری اسلامی کوشش بسیار به کار برد تا سفر این هیئت به ایران را به تعویق اندازد. در راس انگیزه‌های رژیم در به عقب انداختن سفر هیئت مزبور، مطرح نشدن گزارش ایران در



دوشنبه ۲ بهمن ۱۳۶۸ برابر با ۲۲ ژانویه ۱۹۹۰ به ماه ۶ ریال سال ششم شماره ۲۹۰

منتقدان ولایت مطلقه فقیه در معرض تصفیه و سرکوب

این روزها، تلاش تبلیغاتی سران رژیم برای نمایش همخوانی و وحدت، و مهار تنش‌های جناحی، اوج تازه‌ای گرفته است. انگیزه و در همین حال محمل تشدید این تبلیغات، مقابله با افشاگری‌های اخیر آیت‌اله منتظری است. مطبوعات حکومتی ضمن انعکاس مراتب تبعیت جناح‌های حاکمه از خامنه‌ای، مشغول از حملات تلویحی و بعضا آشکار، علیه آیت‌اله منتظری است.

به رقم ادعای مزورانه مسئولین حکومتی مبنی بر مجاز بودن مطبوعات در درج انتقاد، هیچک از روزنامه‌های رژیم اجازه درج و یا نقل انتقادات منتظری را نیافته‌اند. آنچه که بی‌مضایقه و به تفصیل در مطبوعات رژیم نقش بسته، تخطئه یکجانبه و غیر مستند اظهارات اوست.

روزنامه ابرار بنقل از سید محمد سعیدی، سخنران اصلی تظاهرات فرمایشی قم علیه منتظری، مخالفت او را با ولایت امری خامنه‌ای محکوم کرده و تاکید کرده است که اظهارات منتظری در ضدیت با منویات خمینی است. افشاگری اخیر آیت‌اله منتظری علیه خودکامگی بقیه در صفحه ۶

نامه مشترک

- ✽ حزب دمکرات کردستان ایران
- ✽ سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- ✽ حزب دمکراتیک مردم ایران

به بازرسی ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد

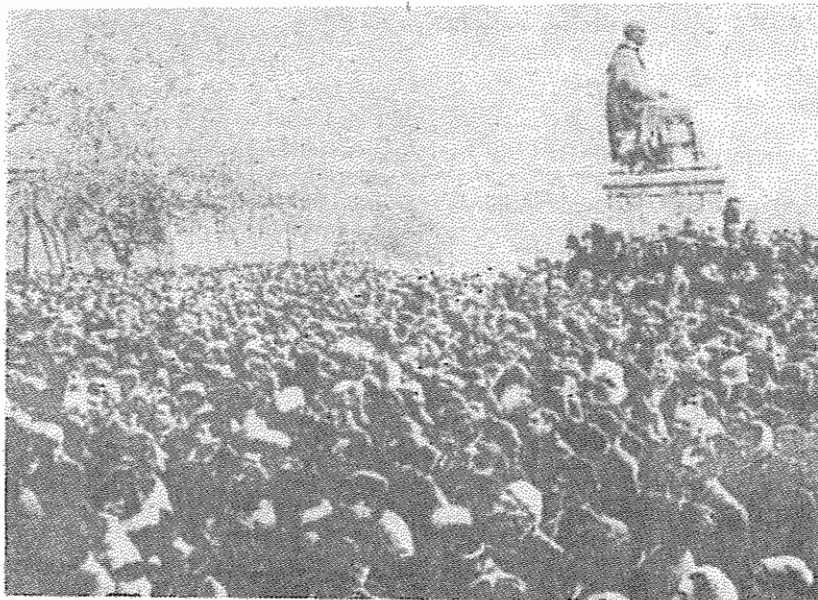
در صفحه ۲

جمهوری‌های قفقاز، در خطر یک جنگ داخلی

کنترل اوضاع در باکو از روز ۲۰ ژانویه محررات منع عبور و مرور شبانه برقرار کرده است. میخائیل گارباچف طی پیامی مردم دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان را به آرامش دعوت کرد.

بقیه در صفحه ۷

اوضاع در جمهوری‌های شوروی آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در هفته گذشته بیش از پیش متشنج شد. در مناطق متعددی کاربه درگیری مسلمانان کشید. شورای عالی اتحاد شوروی بخاطر جلوگیری از جنگ داخلی و ادامه حمله ناسیونالیست‌های افراطی آذری به ارمنه و



تظاهرات ۴۰۰ هزار نفره مردم ایروان علیه کشتار ارمنه در آذربایجان

در این شماره

✽ نظری به مواضع

آقای حسن نزهه بیرامون مساله آذربایجان

در صفحه ۹

✽ قلم شما در خدمت ارباب زور و وزیر است

در صفحه ۸

✽ حاکمیت فقها از زبان آمار

در صفحه ۵

✽ واقعیت،

بصلاحت، قلب رژیم را نشانه رفته است

در صفحه ۱۰

نامه مشترک

* حزب دمکرات کردستان ایران
* سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)
* حزب دمکراتیک مردم ایران

به بازرسی ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد

بمناسبت پذیرش مسافرت هیئتی از سازمان ملل متحد بوسیله رژیم جمهوری اسلامی که بمنظور رسیدگی به نقض حقوق بشر در ایران بعمل خواهد آمد، سازمانهای سیاسی زیر توجه شما را به مراتب زیر جلب می کنند:

رژیم استبدادی حاکم در ایران مدت ده سال است هملاکيه حقوق انسانی مردم ایران را با منتهای خشونت و بی‌اهمیتی زیر پا گذاشته و هر بار که در این زمینه مورد اعتراض سازمانها و محافل بین المللی قرار گرفته عکس العملی جز مسخره، توهین و خوار شمردن اعلامیه حقوق بشر از خود نشان نداده است.

هم اکنون با وجود تعدد و موافقت ظاهری جمهوری اسلامی با اعرام هیئتی از سوی کمیسیون حقوق بشر که مسلماً تحت فشار سازمانها، محافل و شخصیت های بین المللی صورت گرفته است سوئیات باطنی رژیم، مقاصد تاکتیکی، بمنظور بهره برداری تبلیغاتی در داخل و خارج برای حفظ آبروی خود و تظاهر به سیاست خارجی مسالمت جو یانه به شکل بارزی متجلی میگردد. با این حال و به موازات آن روزنامه ها و رسانه های جمعی که بلندگویان رسمی رژیم به حساب می آیند با حملات همه جانبه به هیئت اعرامی در آستانه حرکت او به ایران از حقوق بشر بعنوان فریبی که منعکس کننده تمایلات استکبار جهانی و توطئه امپریالیستی می باشد یاد می کنند.

اقدامات ضد بشری حکومت اسلامی در این مدت ده سال از قبیل زیر پا گذاشتن ابتدایی ترین حقوق انسانها، ترور مخالفان، تحمیل به جنگ برادر کشی در کردستان، شکنجه های جسمی و روحی زندانیان سیاسی و اعدام های بدون محاکمه و سریع دهها هزار نفر، بویژه برای کمیسیون حقوق بشر بقدری روشن و واضح است که مابقی نیاز از ارائه هرگونه آمار و موارد مشخص بی شمار می کند. اما یک مورد استثنایی وجود دارد که باید با تاکید خاصی خاطر نشان گردد و آن قتل عام بیرحمانه سال گذشته زندانیان سیاسی و دفن آنها در مزارهای دسته جمعی است که بعنوان "خانه تکانی" و "فرمان" و "ولایت فقیه" بدون محاکمه، تنها با تشخیص صوری سه آخوند بی صلاحیت در کلیه زندانهای ایران صورت گرفته است. از دستگیری اقلب این زندانیان بیش از ۶ سال می گذشت و در بین آنها افرادی وجود داشتند که یا دوره محکومیت فرمایشی خود را تمام کرده و یا مدت کمی از آن باقی مانده بود. در مورد این زندانیان توهین، تحقیر، زجر و شکنجه، چشمان بسته شبانه روزی بمدت دراز، تغذیه ناکافی و غیر بهداشتی، ضرب و شتم و سایر اعمال غیر انسانی بطور مداوم و در مقیاس وسیعی اعمال گردیده است. مزار جمعی این قربانیان در نقاط مختلف شناخته شده اند که حتی بازماندگان نزدیک آنها اجازه نزدیک شدن به مزار را ندارند.

به عقیده ما یکی از دلایل موافقت اجباری رژیم با اعرام هیئتی از سازمان ملل متحد برای بازدید زندانها علاوه بر هرگونه نیت هوام فریبانه پلیدی که گردانندگان حکومت در سر داشته باشند اطمینان خاطر آنها و لا از "خلوت" ساختن زندانهای سراسر کشور از افراد مقاوم بوسیله قتل و تمام اخیر ثانیاً به خیال خود چشم زهر گرفتن مطلوب از باقیماندگان متناصري است که تحت فشار شکنجه های هولناک قرون وسطایی آنها را مجبور به اطاعت کرده اند که در این راستا گروههایی از زندانیان سیاسی زن که تحت فشار افکار عمومی ظاهراً اعدام نشده اند و هر لحظه در انتظار مرگ می باشند هنوز وضع نامعلوم می دارند.

ما سازمانهای سیاسی امضاءکننده که از نزدیک به چگونگی و نحوه عمل رژیم مذهبی - فاشیستی جمهوری اسلامی آشنا هستیم اطمینان داریم که آنها با توسل به شیوه ها و ترندهای آخوندی خود مانند دروغ، تزویر، ریا، نیرنگ، صحنه سازی و هرگونه اقدامات ظاهری بیانه بمنظور حداکثر بهره برداری به نفع مصالح خود از ماموریت هیئت اعرامی سازمان ملل متحد دریغ نخواهد کرد و اگر احساس نمایند که تشبثات آنها در این راه به نتیجه مطلوب نخواهد رسید از هیچ اقدامی برای محدود کردن فعالیت و احیاناً شکست ماموریت هیئت اعرامی فر و گذار نخواهند کرد.

با در نظر گرفتن مراتب بالا و با اینکه اعضای هیئت اعرامی تحت سرپرستی شما در اجرای ماموریت مهم بشر دوستانه خود دچار، تبحر و صلاحیت کامل دارند با این حال وظیفه خود می دانیم توجه شما را به چند پیشنهاد مشخص همده زیر جلب کنیم:

قبل از همه صدور اعلامیه ای از طرف شماست که هدف، ماموریت و چگونگی اجرای آن بیان گردیده است و پخش آن در برنامه های مختلف صدا و سیما جمهوری و درج آن در صفحات اول مطبوعات معتبر است تا مردم ایران بویژه خانواده ها و بازماندگان قربانیان رژیم از آن اطلاع حاصل نمایند.

ضرورت تامین و تضمین های مطمئن از طرف مقامات رسمی ایران برای:

آزادی تماس و رفت و آمد و اقامت هیئت اعرامی در تمام بیست و چهار ساعت شبانه روز، برای کسانی که قصد تسلیم شکایت کتبی، شفاهی، و یا شهادتی دارند. به نظر ما تماس مستقیم اعضای هیئت اعرامی با خانواده های قربانیان رژیم وسیله موثری در جهت کشف جنایات رژیم است.

آزادی کامل مسافرت برای بازدید کلیه زندانها و بازداشتگاهها در نقاط مختلف کشور، امکان تماس با زندانیان در هر ساعتی که اعضای هیئت بخواهند.

تامین و تضمین از تهدید هرگونه تعرض و دیگر اقدامات خصمانه بر علیه شاکیان عادی و زندانیان.

رژیم جمهوری اسلامی باید صورت کامل و تفکیکی زندانیان سیاسی و غیر سیاسی، محل و آدرس زندانها در نقاط مختلف کشور و مشخصات دیگر و تسهیلاتی که در ارتباط با حسن انجام ماموریت هیئت بازرسی کمیسیون حقوق بشر می باشد در اختیار آنها بگذارد. در این راستا مسافرت اعضای از هیئت به کردستان برای مطالعه چگونگی رعایت حقوق بشر بویژه بازدید زندانهای مناطق کردستان از اهمیت خاصی برخوردار است.

در پیوست فهرستی که شامل اسامی زندانیان سیاسی قتل هم شده سال قبل است از سوی خانواده های زندانیان سیاسی داخل کشور به خارج ارسال شده است تقدیم می گردد. رسیدگی به چگونگی این اعدامهای دسته جمعی و مطابقت آن با صورت تفکیکی داده های رژیم و رسیدگی به اختلافات احتمالی بین آنها یکی از تقاضاهای همده ما تشکیل می دهد. از شما تقاضا داریم با استفاده از نفوذ خود و براساس منشور جهانی اعلامیه حقوق بشر مسئولان جمهوری اسلامی را به اجرای موارد حداقل زیر متعهد سازید:

۱- تامین آزادیهای فردی و اجتماعی حقوق بشر (آزادی بیان، تشکل و اجتماعات)

۲- جلوگیری از اعدام زندانیان سیاسی زن که برخی از آنها عورتا ۸ سال است در شرایط غیر انسانی زندانهای رژیم اسیر هستند.

۳- لغو محاکمات و اعدامهای بی رویه در مورد کلیه جرائم.

۴- جلوگیری از فشار، ظلم و ستم بر اقلیت های مذهبی و ملی بویژه مردم کردستان

ما با امید و نگرانی در آرزوی اجرای موفقیت آمیز ماموریت بشر دوستانه شما هستیم.

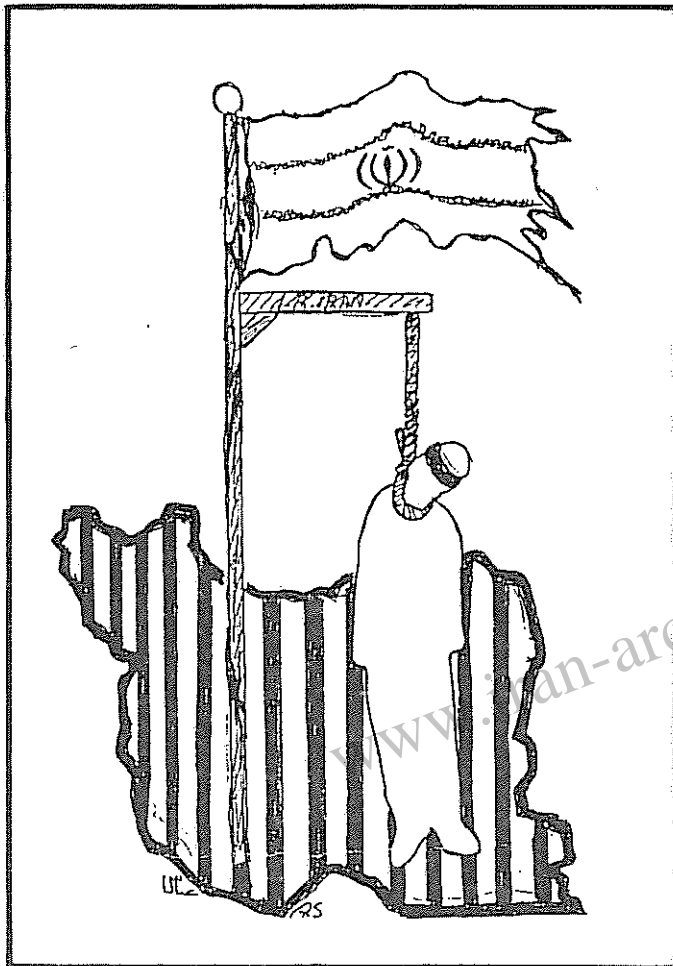
با احترامات

حزب دمکرات کردستان ایران
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)
حزب دمکراتیک مردم ایران

رساتر باد فریاد اعتراض خلق علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام!

پیرامون سفر هیئت نمایندگی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران:

بر جنون جنایت و خودکامگی رژیم باید لگام زد!



کند پی‌جویی و بازدید کورهای جمعی بی‌نشان، این واقعیت را بر هیئت ویژه سازمان ملل آشکار خواهد کرد که جمهوری اسلامی پس از اعدام زندانیان، در صدد است حتی نام و نشان آنها را نیز محو و اعدام کند.

راست این است که بر تخلفات رژیم در عرصه حقوق بشر در ایران نام تخلص نمی‌توان نهاد. این "تخلفات"، جنایت است؛ بر بریت است، انتظار ما این است که حاصل بازدید هیئت نمایندگی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل از ایران بازتاب واقعی این جنایات در سازمان ملل، در جهان و سند محکومیت دیگری برای این رژیم جنایتکار و خودکامه باشد.

بنشینند، باید تضمین‌های کافی برای جان زندانیانی که با هیئت نمایندگی گفتگو می‌کنند در نظر گرفته شود تا جزئیات شکنجه‌ها و توهین‌هایی که به زنان زندانی روا داشته شده است، و اطمینان تکام دهنده و حزن‌انگیز، کابوس اعدام زنان باردار، تراژدی خون‌بار زبانی که برای ایستادن در برابر جوخه اعدام مجبور شدند پستان از دهان نوزاد شیرخوارشان برابند؛ زبانی که ضجه‌های نوزادشان امانشان نداد تا که صدای شلیک جوخه اعدام را بشنوند. ... باید تضمین‌هایی فراهم شود تا کابوس توهین و تجاوز و جنایت از زبان زنان زندانی به هیئت ویژه سازمان ملل بازگو شود.

* ما از "هیئت" انتظار داریم از گورهای جمعی بازدید

به سرقت اعتراف کرده بود قطع کردند، در بندر انزلی زن ۳۱ ساله‌ای را به اتهام "عمل خلاف هفت" سنگسار کردند و ...

هنرمندان و اندیشمندان همچنان در چنگال دوایر تفتیش و "ارشاد" اسیرند. آن که به اندیشیدن خطر می‌کند، دست‌بند و چشم‌بند و سلول و شکنجه و اعدام را باید انتظار کشد.

زنان که در نظام جمهوری اسلامی از نیمه مردان نیز کمترند، همچون گذشته در تمهید فشارها و خفقان‌های روزافزون به سر می‌برند؛ در هفته‌های گذشته عده‌ای از زنان و دختران حزب الهی در حالی که زهرا مصطفوی، دختر خمینی رهبری‌شان می‌کرد علیه "بدجایی" به تظاهرات پرداختند. آنها می‌خواستند زنان آزاده ایران را به زور وادار کنند تا آنگونه که فقها تکلیف می‌کنند، آنگونه که ارتجاعی‌ترین، عقب‌مانده‌ترین و متحجرترین اندیشه‌ها حکم می‌کنند، در محاق پوشش‌های اسلامی فروروند.

ما از هیئت نمایندگی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل انتظار داریم:

* به ابعاد وسیع تخلفات و جنایات‌هایی که در زمینه حقوق بشر در ایران توسط جمهوری اسلامی صورت گرفته همیقا توجه کند.

* به ترندهای رژیم در مخفی نگاه داشتن اسرار مخوف جنایت‌های بی‌شماری که در زندان‌ها مرتکب شده توجه دقیق مبذول کند و برای دست‌یابی به لیست واقعی اسامی زندانیان از اطلاعات خانواده‌های زندانیان سیاسی مدد گیرد. در این رابطه با توجه به تجسّسات پلیسی رژیم، اختصاص یک شماره تلفن به هیئت نمایندگی و تضمین عدم کنترل این شماره برای آنکه خانواده‌های زندانیان سیاسی اطلاعات لازم را از این راه به هیئت نمایندگی ارائه دهند، روش موثری خواهد بود.

* بهتر است "هیئت" لیست کامل اسامی زنان زندانی سیاسی را تهیه کند و با آن‌ها که بسیاری‌شان بیش از ۷ سال است در زندان‌ها اسیرند از نزدیک به گفتگو

بقیه از صفحه اول

شود. به علاوه نباید فراموش کرد که رژیم یک بار در سال گذشته با کشتار وسیع زندانیان سیاسی جابه‌جایی اصلی را صورت داده است، با این همه، تمایل رژیم را برای هرچه بیشتر "مرتب" کردن اوضاع به نفع خویش، نباید نادیده گرفت. از سوی دیگر، پروفیسور رونالدو گالیندوپل نماینده ویژه سازمان ملل نیز به خاطر آنکه در اجلاس ۲۹ ژانویه (۹ بهمن)، گزارش "هیئت" را از ایران به سازمان ملل ارائه دهد با به تعویق انداختن سفر هیئت از جانب ایران، مخالفت کرد.

پیش از سفر "هیئت نمایندگی سازمان ملل" به ایران، نمایندگان برخی از سازمان‌های سیاسی ایران و از جمله سازمان مابه‌طور جداگانه با پروفیسور گالیندوپل ملاقات کردند و اطلاعات لازم در این زمینه را در اختیار ایشان قرار دادند.

طی این مدت، رژیم اما، همچنان بر تخلفات آشکار خود در عرصه حقوق بشر در ایران ادامه داده است. خبرهایی که از زندان‌های جمهوری اسلامی می‌رسد حاکی از آن است که جان بیش از ۸۰ نفر از زنان زندانی را خطر اعدام تهدید می‌کند. رهب و وحشت، همچنان جو حاکم بر زندان‌های جمهوری اسلامی است. فضای سیاسی حاکم بر جامعه نیز فضای ارباب است و خفقان. احکام بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی، همچنان وجدان ایرانیان آزاده و مردم جهان را به لرزه می‌افکند. رژیم، همچون همیشه، مرگ و کشتار را به عنوان تنجراه حل برخورد با مشکلات اجتماعی برمی‌گزیند؛ در همین هفته گذشته ۳۱ نفر به اتهام دست داشتن در قاچاق مواد مخدر به دار آویخته شدند. سه نفر را در تعاون در برابر چشمان حیرت‌زده مردم به جرم فساد اخلاق کردن زند، بسیاری از کسانی که شاهد این صحنه فجیع بودند به حال تهوع افتادند، در یکی از شهرهای شمال ایران در برابر مردم، انگشتان دست فردی را که

میانجیگری دولت شوروی میان ایران و عراق

اجرای طرح مورد نظر دولت متبوعش به زودی به ایران سفر نماید گفت؛ طرح مزبور نباید به هیچ وجه خدشهای به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل وارد بکند و حرکت شوروی در حقیقت باید تقویت کننده وظایف و تلاشهای خاویز پرزدوکونیار دبیرکل سازمان ملل برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ باشد که این نظر از سوی آنها نیز پذیرفته شده است.

لازم به تذکر است که تا کنون ۱۷ ماه از برقراری آتشسوزی و اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد می گذرد و در این مدت ۱۵ دور مذاکرات صلح میان وزرای خارجه ایران و عراق با میانجیگری دبیرکل سازمان ملل و یا الیا سون نماینده ویژه وی صورت گرفته است.

خاطر نشان می گردد که ضمن اعلام خبر توافق دولت های ایران و عراق با برگزاری اجلاسهای مذاکرات صلح در مسکو، منابع دیپلماتیک در سازمان ملل ابراز داشتند که دبیرکل سازمان ملل که فعلا از شوروی دیدن می کند قصد دارد در آینده نزدیک برای پیگیری مذاکرات به دو کشور سفر نماید.

با ادوار دشوار دنازه دیدار و گفتگو داشته است در ماه گذشته نیز مرتضی متکی معاون وزارت خارجه ایران با مقامات وزارت خارجه شوروی در مسکو گفتگوهای بعمل آورده است. در پایان ماه دسامبر نیز ولادیمیر گودف سفیر اتحاد شوروی در تهران با ولایتی ملاقات و صحبت کرده و در این مذاکرات پیام گارباچف درباره حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات ایران و عراق و یافتن راهحلهایی برای خارج ساختن مذاکرات صلح از بن بست موجود را به وزیر امور خارجه ایران ارائه داده است.

بعد از اعلام خبر توافق رسمی دولتین ایران و عراق با برگزاری اجلاسهای مذاکرات صلح ایران و عراق در مسکو و با مشارکت وزیر امور خارجه شوروی، ولایتی اعلام کرد که جمهوری اسلامی میانجیگری اتحاد جماهیر شوروی را برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت به صورت اصولی و در راستای تلاشهای دبیرکل سازمان ملل متحد قبول می کند. ولایتی ضمنا فاش ساخت که این خواست یکسال پیش توسط مقامات شوروی به مقامات ایرانی اظهار شده است.

ولایتی ضمن بیان این مطلب که قرار است وزیر امور خارجه شوروی برای تسریع در

بدنبال اعلام خبر "تاس"، خبرگزاری رسمی شوروی، مبنی بر برگزاری اجلاسهای وزرای خارجه ایران و عراق پیرامون صلح در مسکو، دولت های ایران و عراق نیز موافقت رسمی و اصولی خود را با برگزاری این اجلاسها در مسکو با حضور وزیر امور خارجه شوروی اعلام داشتند. واعظی طبسی معاون وزارت امور خارجه ایران طی سفری به مسکو، در روز پنجشنبه ۲۱ دیماه در ملاقاتی با شواردنازه مواضع رژیم ایران پیرامون برگزاری این اجلاسها در مسکو را اعلام داشت.

لازم به تذکر است که دولت اتحاد شوروی بارها در طول جنگ هشت ساله خلیج خواستار برقراری صلح میان دو کشور گردیده بود. بنا به اظهارات مقامات دولت شوروی، این کشور یکی از تنظیم کنندگان اصلی قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل بوده است؛ و بر پایه همین بیانات تا کنون میان مقامات دولت شوروی و مقامات دولت های ایران و عراق گفتگوهای متعددی پیرامون شکست بن بست مذاکرات صلح صورت گرفته است.

همین اظهارات حاکی است که طی سه ماه اخیر ناصر حیرانی سفیر ایران در شوروی سه بار

برقراری تورهای مسافرتی میان ایران و آذربایجان شوروی

با فراهم کردن مقدمات برقراری تورهای مسافرتی بین ایران و شوروی نیز روز شنبه هفته گذشته در راس هیئتی وارد تبریز شد. ولایتی در این سفر با مسئولان استان آذربایجان شرقی تمهیدات فراهم شده در این استان برای پذیرش تورهای مسافرتی از شوروی را مورد بررسی قرار داده است. اخبار انتشار یافته در مورد نحوه رفت و آمد مسافری بین دو کشور که به شکل مسافرت گروهی بوده و هر بار ۱۵۰ نفر را شامل شده و حداکثر ۱۰ روز می تواند ادامه یابد به هیچ وجه پاسخگوی خواست مردم در دو سوی مرز ارس نیست و تلاش برای اسهال کنترل کامل دولتی بر مسافرت بین دو کشور را نشان می دهد.

دعوت از بی نظیر بوتو برای سفر به ایران

بروجردی معاون وزارت خارجه رژیم در امور آسیا و اقیانوسیه در هفته گذشته به پاکستان سفر نمود.

سفر معاون وزیر خارجه حکومت اسلامی به پاکستان و مذاکرات وی پیرامون تحولات در افغانستان با مقامات این کشور در حالی صورت پذیرفت که معاون وزارت خارجه آمریکا نیز در راس یک هیئت از مقامات نظامی و سیاسی این کشور جهت مذاکره با مقامات پاکستانی پیرامون مسائل افغانستان هفته گذشته وارد این کشور شد. این هیئت قبل از سفر به پاکستان با مقامات دولت عربستان سعودی در زمینه لزوم اتخاذ سیاستهای مشترک پیرامون تحولات افغانستان دیدار و گفتگو نموده بودند.

در تهران و مسکو اعلام کردید که میان مقامات وزارت خارجه دولت ایران و دولت اتحاد شوروی مذاکراتی پیرامون ایجاد امکانات و تسهیلات و ساده کردن تشریفات مربوط به صدور ویزا جهت سفر اهالی دو کشور صورت گرفته است.

در مسکو گفته شد علاوه بر مذاکرات واعظی معاون وزارت خارجه رژیم با ادوارد شوارنازه وزیر خارجه اتحاد شوروی، ملاقاتهایی نیز میان "چاپین" معاون وزارت امور خارجه این کشور و مسعودی مدیر اداره کنسولگری وزارت امور خارجه ایران جهت ساده کردن تشریفات مربوط به مبادله توریست میان دو کشور صورت گرفته است.

ولایتی وزیر امور خارجه رژیم در ارتباط

حکومت اسلامی با ارسال پیامی توسط فلامرزا فروش وزیر جهاد سازندگی برای بی نظیر بوتو نخست وزیر پاکستان از وی برای انجام یک دیدار دوستانه از ایران دعوت بعمل آورد.

وزیر جهاد سازندگی حکومت روز دوشنبه هفته گذشته در راس یک هیئت از مقامات رژیم وارد پاکستان شد. گفته می شود هدف از سفر هیئت مزبور گفتگو پیرامون گسترش مناسبات تجاری دو کشور می باشد.

میزان حجم مبادلات بازرگانی میان دو کشور در سال گذشته ۴۰۰ میلیون دلار اعلام شده است. در ارتباط با گسترش مناسبات همه جانبه حکومت اسلامی با دولت پاکستان، هلال الدین

نمایش "هغو محکومین"

دادگاه های نظامی

حکومت در یک نمایش تبلیغی دیگر دایر بر هغو محکومیت دادگاههای نظامی اعلام کرد که کلیه سربازانی که به اضافه خدمت تا یک سال محکوم شده بودند مشمول هغو کامل شده و سربازانی که به بیش از یکسال اضافه خدمت محکوم شده اند، مدت آن به نصف تقلیل می یابد. حکم اخیر بر اساس نامه یزدی "قاضی القضاة" رژیم و موافقت "ولی فقیه" جدید حکومت صادر شده است.

در نامه یزدی از قول رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح رژیم گفته می شود که قبلا نیز هدهای از محکومین دادگاههای نظامی بمناسبت میلاد پیغمبر مشمول هغو شده ولی محکومین به جرائم سبک مشمول هغو نگر دیده اند.

افرادی که اخیرا تحت عنوان محکومین دادگاههای نظامی توسط رژیم مورد "هغو" و "بخشودگی" قرار گرفته اند کسانی هستند که در طول سالهای جنگ جنایتکارانه خلیج حاضر به رفتن به جبهه ها نشده و ماشین جنگی آنها را فلج ساخته بودند. تعداد این افراد آن چنان زیاد است که رژیم هلبر فم تهدیداتی که قبلا در جاری ساختن مجازات های سنگین علیه آنان و یا از دیاد خدمت وظیفه برای آنان مطرح ساخته بود ناچار گردید از تهدیدات خود متب نشسته و به هغو این "محکومین" بپردازد.

اخاذی از داوطلبین کنکور



ملیر هم تنزل شدید سطوح علمی و آموزشی در دانشگاههای کشور، شمار کثیری از جوانان برای موفقیت در کنکور و ورود به مراکز آموزش عالی تلاش شبانه روزی می کنند.

پائین بودن ظرفیت پذیرش دانشگاهها نسبت به تعداد داوطلبان و تخصیص سهم قابل توجهی از این ظرفیت به نور چشمی های رژیم از یکسو، و نبود بازار کار و عدم جذب جوانان در هر صدهای دیگر فعالیت اجتماعی، موجب گشته است که داوطلبان کنکور برای موفقیت در آن، به هر خار و خشکی چنگ ببندند. اینجاست که بازار باصطلاح موسسات "فروتنگی" و کلاسه های کنکور سکه می شود و انواع موسسات تعلیمی برای "تضمین" قبولی در پزشکی و مهندسی و در واقع برای اخاذی از داوطلبان، همچون قارچ بعد از باران، از هر گوشه و کناری سر بر می آورند و با آگهی های شان در دیوار شهر را می آلاینند.

وضعیت فلاکت بار اقتصادی و اجتماعی در دوران حاکمیت فقها از زبان آمار

معادل ۱۵/۲ درصد نشان می دهد. برخلاف ادعای سران رژیم اتکای تولیدات کشور به منابع خارجی نه تنها کاهش نیافته بلکه افزوده شده است. آمار حاکی است که اتکای تولید صنعتی به منابع داخلی تنها در حدود ۳۰ درصد می باشد. به عبارت دیگر این رقم نشان دهنده این موضوع است که تولیدات صنایع کشور ۷۰ درصد به منابع خارجی متکی است. در زمینه بارآوری کار و تولید صنعتی گفته شده است بهره وری تولید صنعتی در سال های مورد نظر حدود ۳۰ درصد کاهش داشته است. در زمینه فلاکت اجتماعی موجود نیز آمار، ارقام تکان دهنده ای را ارائه می دهند. مطابق آمار سرشماری سال ۶۵ در زمینه وضع مسکن اهلام شده است که بیش از ۲۰ میلیون از جمعیت کشور حداکثر در ۲ اتاق زندگی می کرده اند و حدود ۱۳ تا ۱۴ میلیون نفر از این گروه در خانوارهای بطور متوسط ۵ نفره بوده اند. حدود ۵ میلیون نفر که در خانوارهایی بطور متوسط ۴ نفره می باشند در یک اتاق زندگی می کرده اند و تمام نیازهای زندگی این افراد در همین فضا صورت می گرفته است. باید خاطر نشان شود تعریف اتاق مطابق آمار سال ۶۵، فضایی در ابعاد ۲ متر می باشد.

آمار مصرف در سال ۶۵ نیز نشان دهنده گسترش فقر و گرسنگی در کشور است. بر پایه این آمار حدود ۱۷ میلیون نفر از جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی می کرده اند. خط فقر ارائه شده بر اساس کالاهای جیره بندی تعیین گردیده و هزینه غذایی براساس این کالاها حدود ۱۴۰ ریال در روز تعیین شده است. آمار حکایت از این دارد که در حدود ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از جمعیت کشور روزانه تنها ۶۰ ریال هزینه سرانه مصرفی داشته اند و ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر دیگر هم ۱۳۵ ریال هزینه سرانه مصرفی شان بوده است. قابل ذکر است که آمار فوق تنها مربوط به سال ۶۲ می باشد که هنوز هوارض منفی ناشی از تداوم جنگ ویرانگر بر وضعیت اقتصادی - اجتماعی کشور هویدانگر دیده بود.

آمار دیگری در همین زمینه نشان دهنده شدت یافتن اختلافات بین قطب های فقر و ثروت در جامعه در دوران حکومت "عدل پرور" اسلامی بوده است. تنها براساس آمار ارائه شده در سال ۶۳ در کشور حدود ۶۰ هزار خانوار وجود داشته اند که درآمد هر کدام بطور متوسط ماهیانه بیش از ۳۰ هزار تومان بوده است و این با توجه به ارقام ارائه شده در زمینه خط فقر بهیچ وجه قابل مقایسه نیست بخصوص که اگر در نظر داشته باشیم در فاصله سال ۶۳ تا کنون نه تنها این فاصله کاهش نیافته بلکه شدت بر اثر فعالیت بخش های انگلی جامعه تحت حمایت های پنهان و آشکار رژیم افزوده شده است.

آمار ارائه شده در "کتاب برنامه" منتشره توسط حکومت نشان دهنده وضعیت فلاکت بار اقتصادی رژیم و پس رخت اوضاع اقتصادی طی حاکمیت سیاه اسلامی در یازده ساله گذشته است.

بر اساس آمار ارائه شده تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۶۷ به قیمت ثابت حدود ۲۹۶۱ میلیارد ریال برآورد شده که این رقم معادل تولیدی است که در ۱۶ سال پیش در ایران وجود داشته است.

همین آمار حاکی است که رقم تولید ناخالص ملی سرانه در سال ۶۸ حدود ۵۰ هزار ریال یعنی معادل رقم مشابه مربوط به ۲۱ سال پیش می باشد.

ورشکست اقتصادی و ویرانی امر تولید در طی یازده سال گذشته در تمامی امور مربوط به حیات اجتماعی کشور اثر گذاشته است. آمار ارائه شده، بودجه سرانه تنظیم شده را ۱۲۰۰ تومان به قیمت ثابت ارزیابی می کند که مبلغی در حدود ۲۸۰۰ تومان کسری نسبت به همین رقم در سال ۵۸ را نشان می دهد؛ هزینه مصرفی سرانه نیز از حدود سالانه ۵۰ هزار ریال طی مدت یازده سال اخیر به سالانه ۳۰ هزار ریال کاهش یافته است.

در طی مدت فوق آمار بیکاری بشدت رویه افزایش گذاشته است. گفته شده است میزان بیکاران پنهان و آشکار در سطح کشور به حدود ۶ میلیون نفر بالغ می شود. بر این اساس حدود ۴۳ درصد از نیروی کار جامعه بیکار و یادچار بیکاری پنهان است و این در حالی است که نیروی انسانی فعال کشور در حدود ۱۳ میلیون برآورد شده است. آمار فوق با توجه به جمعیت ۵۶ میلیونی کنونی نشان دهنده وضعیت فلاکت بار معیشتی خانواده های ایرانی است. با استناد به آمار فوق بار تکفل در جامعه ما چیزی در حدود ۸ نفر است یعنی هر نفر که در جامعه کار می کند بطور متوسط باید هزینه زندگی ۸ نفر را تامین کند که این آمار برای کشورهای پیشرفته حدود ۲ تا ۲/۲ می باشد.

در طی مدت حاکمیت "فقها" بیش از ۱/۲ میلیون نفر بر پایه آمار رسمی به تعداد بیکاران کشور افزوده شده است و این در حالی است که با توجه به میزان امکانات رژیم برای ایجاد اشتغال در سطح کشور و رشد بالای جمعیت بطور مداوم بر میزان رقم فوق افزوده می شود.

در طول دوران مورد بحث میزان اختصاص داده شده تولید برای تشکیل سرمایه به میزان نصف تقلیل یافته بطوریکه این رقم از حدود ۲۷ درصد به حدود ۱۴ تا ۱۵ درصد کاهش پذیرفته است.

صنعت کشور تنها طی سالهای ۶۲ تا ۶۷ سالانه به طور متوسط ۷ درصد کاهش تولید داشته است و این در حالی است که صنایع سرمایه ای کاهش یافته است.

منتقدان ولایت مطلقه فقیه در معرض تصفیه و سرکوب

بقیه از صفحه اول

سران رژیم و وضعیت اقتصادی فلاکت بار آن بوده اما لبه تیز آن متوجه مشروعیت و صلاحیت رهبری سید علی خامنه‌ای بوده است. طرح شعارهایی چون "ما اهل کوفه نیستیم، هلی تنها بماند"، "مرگ بر لیبیرال، مرگ بر ضد ولایت فقیه" در تظاهرات فرمایشی علیه منتظری نیز، در همین رابطه بوده است.

اما واکنش خامنه‌ای در پیامش به "نمایندگان مجلس و ملت" و نیز کارزار تبلیغاتی اخیر طرفداران او برای نمایش "وحدت صفوف بر مدار ولایت"، حاکی از آنست که قطع نظر از صلاحیت مذهبی خامنه‌ای، حدود اختیارات سیاسی او بمثابة رهبر نظام نیز از سوی طیف‌های مهینی از حاکمیت مورد سؤال است. شماری از روحانیون بلحاظ مذهبی و در امور مربوط به فتوی و مرجعیت منتظری را صالح می‌شناسند. نامه ۱۲ تن از روحانیون و بیانیه‌های آنها در دفاع از منتظری، همدتا در این ارتباط بوده است. در مقابل، تلاش پنهان و آشکار رژیم برای زمینه‌سازی جهت حذف عنوان آیت‌الهی منتظری و محروم کردن او از تدریس در حوزه‌های علمیه نیز در همین رابطه است. در مطبوعات رژیم نیز طی روزهای اخیر، عنوان آیت‌اله از جلوی نام منتظری همدابر داشته شده است.

در همین حال، بخش قابل توجهی از نیروهای درون حکومت، بلحاظ داهیه‌های سیاسی، اقتدار مطلقه خامنه‌ای را بر نمی‌تابند. در این رابطه میتوان به تفاوت چشمگیری که بلحاظ مضمونی بین نامه‌ای که با امضای کمتر از ۱۳۶ نماینده مجلس در ستایش از خامنه‌ای نوشته شد با نامه‌ای که با امضای ۲۱۷ نماینده در هفته گذشته در مطبوعات رژیم منتشر شد، اشاره کرد. مضمون نامه اول

تصحیح و یوزش

در شماره ۲۸۹ اکثریت، در صفحه اول تاریخ انتشار نشریه اشتباه به چاپ رسیده است. تاریخ صحیح ۲۵ دی ماه می‌باشد.

مبنی بر اظهار خاکساری تملق‌آمیز نسبت به خامنه‌ای و تاکید بر اولویت مطلق و تام و تمام ولایت او بود و نامه دوم بیانگر پذیرش اولویت نسبی و مشروط مقام ولایت و در همین حال تاکید ویژه بر موقعیت مجلس بعنوان نهادی که "در راس همه امور است" و حق استیضاح دولت و نظارت بر کار ارگانها را دارد. و این مساله که بیش از هر چیز از تداوم جنگ قدرت در حاکمیت ناشی می‌شود، بیانگر وجود اختلاف در چگونگی ارزیابی از حد اقتدار ولی فقیه و درجه مطلقیت یا مشروطیت ولایت آن نیز هست. تاکید می‌کنیم که این کشاکش در وضعیت کنونی همدتا بازتاب جنگ قدرت است نه اعتقاد مخالفان به تعدیل ساختار استبدادی ولایت فقیه. اما از نظر رهبر نظام، این تمایلات بدلیل تأثیری که هملا در تضعیف و خدشه‌دار کردن اقتدار ولایت مطلقه فقیه دارد، با دیدگاه و عمل نیروهای که صلاحیت و مشروعیت او را زیر سؤال می‌برند، دارای فصل مشترک‌های مهینی هست. حساسیت خامنه‌ای در برابر هرگونه تمایلی که موقعیت مطلوب او را مورد تردید قرار دهد یا بنحوی مشروعیت مقام او را بمثابة ولی امر خدشه‌دار کند نیز در

این رابطه قابل درک است. او در پیامش به مجلس و ملت، هشدار داد که: "خدشه در التزام به ولایت فقیه و تبعیت از رهبری، خدشه در کلیت نظام است. و اینجانب اینرا از هیچکس و هیچ دسته و گروهی تحمل نخواهم کرد!"

مقاماتی چون شیخ محمد یزدی، کروبی، ری شهری، مشکینی و حائری، پس از پیام خامنه‌ای، بر ضرورت دفاع از ولایت مطلقه فقیه، تبعیت از خامنه‌ای و پرهیز از پراکندگی صفوف امت حزب‌الله تاکید کردند و روشن بود که انگیزه این موضع‌گیری‌ها علاوه بر احساس خطر از جانب منتظری و هوادارانش، در نگرانی آنها از جانب طیف‌هایی از نیروهای درون حاکمیت نیز منشأ دارد.

خصوصیت تهاجم تبلیغاتی اخیر طرفداران خامنه‌ای آنست که از یکسو با تعرض و تهدید آشکار علیه منتظری و هوادارانش، رقبای نیروهای مخالف خود در درون حاکمیت - بویژه در مجلس را - که خواهان تضعیف اقتدار او هستند، بر جای خود بنشانند و یا لاقبل مهار کند و از سوی دیگر با تاکید بر ضرورت وحدت صفوف مجموعه نیروهای حکومتی در برابر منتظری - بمثابة نیروئی خارج از

دایره حکومت - اختلافات درونی را تعدیل نموده و منتظری را منزوی و از صحنه خارج کند.

مشکینی در نماز جمعه ۲۲ دیماه قم تصریح کرد که: "مجلس شورای اسلامی و حوزه علمیه البته باید محل برخورد نظرها باشد اما با فرض ورزی و حرکت بر علیه نظام و حکومت اسلامی، همانطور که دادستان محترم روحانیت اظهار داشتند باید با قاطعیت برخورد شود چرا که مردم ما اجازه نخواهند داد این نظام باین آسانی و با انجام چنین حرکت‌هایی از بین برود."

ری شهری، دادستان کل کشور، در روز شنبه گذشته بطور مشخص‌تر اعلام کرد که اعضای گروه مهدی هاشمی دوباره جان گرفته‌اند و دستگیر خواهند شد. و این می‌تواند از یورش‌ها و تصفیه‌های تازه‌ای علیه هواداران منتظری و در همین حال تسویه حساب‌هایی با طیف دیگری از نیروهای منتقد درون حاکمیت خبر دهد.

در این کشاکش، تعرض باند حاکم برای منزوی کردن منتظری، حکم خاکریز اول را دارد، تعرضی که در همین حال بطور بارزی مهر و نشان یک جنگ قدرت اعلام نشده میان باندهای حاکمه را نیز بر خود دارد. تداوم و تشدید این منازعات نه تنها "التزام به ولایت فقیه" را در ذهن بخش‌های وسیع‌تری از پیروان امروز آن مخدوش می‌کند بلکه پایان سطره این رژیم بی‌آینده را نزدیکتر می‌سازد.

یادواره استاد ابوالحسن صبا

هفته گذشته در گرامی داشت مقام والای استاد ابوالحسن صبا در هرحه موسیقی ملی ایران و به مناسبت سی و دومین سال درگذشت او، کنسرتی با همناواری "گروه نوا" به سرپرستی جمید درخشانی و با همکاری شبکه تلویزیونی (WDR) آلمان فدرال به مدت دو شب در شهرهای "کلن" و "بوخوم" به اجرا درآمد. علاوه بر "گروه نوا"، رحمت‌اله بدیعی نوازنده معروف ویلن و جمال سماواتی نوازنده و منتقد موسیقی از میهمانان و

همکاران این برنامه بودند. قسمت اول برنامه با هنرنمایی شورآفرین رحمت‌اله بدیعی پایان یافت. آنگاه "گروه نوا" قطعاتی از کارهای ماندگار استاد صبا (چهار مضراب، زنگ شتر، زرد ملیجه) را سرشار از تحرک و زیبایی اجرا کردند که با استقبال شورا انگیز شنوندگان روبرو شد. لازم به یادآوری است که این برنامه در ماه گذشته نیز به پاس ارج‌گذاری به ارزش‌های هنری استاد صبا با تصویرهایی از لحظات مختلف زندگی او به شکل اسلاید به

ابتکار کانون فرهنگ ایران (آوازه) و به همت دکتر محمود خوشنام در آمفی تئاتر "پانته‌ئون" در شهر "بن" به اجرا درآمده بود که مورد استقبال دوستداران موسیقی اصیل ایرانی قرار گرفت. حضور گسترده هنردوستان ایرانی در این شب‌ها، بیانگر رشد روز افزون علاقه‌مندی دوستداران موسیقی اصیل و احترام به خلاقیت پیشگامان راستین آن است. "چراغ صافه" آن سحاب، روشن باد!

جمهوری های قفقاز، در خطر يك جنگ داخلی

بقیه از صفحه اول

تصاعد دور جدید خشونت ها و ناآرامی ها با قتل تمام گروهی از ارمنه در شهر باکو پایتخت آذربایجان شوروی همراه بود. در این کشتارها حداقل ۵۰ نفر از ارمنه در خیابان ها و میادین شهر و یا در خانه های خود، توسط باندهای چند نفره جنایتکار به قتل رسیدند.

هم در جمهوری ارمنستان و هم در جمهوری آذربایجان گروه های بزرگی از مردم مسلح شده اند.

اوضاع به حدی متشنج است که خبرنگاران شوروی متقیم این مناطق با کلاه خود و جلیقه های ضدگلوله به پخش وقایع جمهوری های قفقاز می پردازند. خبرنگاران مزبور از وقوع جنگ هایی گزارش می دهند که در آن انواع سلاح های مدرن بکار برده می شود. گزارش شده است که گروه هایی در عملیات جنگی شرکت دارند که خود را به او نیفورم های ارتش شوروی ملیس کرده و به سلاح های اتوماتیک مجهزاند. مقامات دولتی در مسکو تعداد کشته شدگان این درگیری ها را بین ۴۸ تا ۵۰ نفر ذکر کرده اند. "جبهه خلق

آذربایجان" این رقم را تا ۳۵۰۰ نفر اعلام کرده است.

واحد های ویژه وزارت کشور و ملبیس پس از ساعت ها تلاش توانستند از گسترش ابعاد درگیری ها جلوگیری کنند. به دنبال آن قریب ۱۰۰۰ تن از ارمنه همدازن ها و بچه ها از راه دریا و هوا به جمهوری ترکمنستان و مسکو انتقال داده شدند به دنبال این وقایع "وزیراف" دبیر اول حزب کمونیست آذربایجان از کار برکنار شد. تاکنون قریب ۲۴۰۰۰ نفر از واحدهای ویژه وزارت کشور برای بازداشتن گروه هایی از مردم آذربایجان و ارمنستان که در واحدهای نظامی مسلح رو در روی یکدیگر ایستاده اند، به منطقه اعزام شده اند. این نیروها مجبور شده اند که در مناطقی به شکل مسلحانه با نیرو های متخاصم مقابله نمایند.

اکنون تجلی شو نیتسیم افراطی و تخلیات بیمارگونه بویژه در جمهوری آذربایجان نمونه های تکان دهنده ای از آدمشکی و جنایت و بروز دشمنی ملی را به نمایش گذاشته است. بروز این حوادث بیانگر این امر نیز هست که دولت مرکزی در ارائه یک راه حل اصولی و به موقع در مقابل آن بخش

از خواسته های به حقی که این گرایشات و نیروهای افراطی بر بستر آن قدرت یافته اند، ناتوان بوده و کوتاهی کرده است. در این آشفته بازار و اوج گیری شو نیتسیم و ناسیونالیسم کور، مسلمانان بنیادگرا نیز برای "شب کلاه" خود نمدی می جویند.

رژیم جمهوری اسلامی با حفظ احتیاط و داشتن هراس از هواقب گسترش احساسات ناسیونالیستی در این سوی ارس به سو استفاده از وقایع اخیر در آذربایجان شوروی و مقتنم شمردن فرصت تبلیغ باورها و رژیم بی آینده خود پرداخته است. سردمداران جمهوری اسلامی هم خود را مصروف طرح و برجسته کردن انگیزه ها و جنبه های مذهبی در این رویدادها می کنند. هلی خامنه ای حجت الاسلام چندماه پیش و رهبر کنونی "مسلمانان جهان" طی یک سخنرانی روز چهارشنبه هفته گذشته بر خیزش اسلامی مردم جمهوری های شوروی هم مرز ایران تاکید کرد.

گنادی گراسیموف در تلویزیون فرانسه اظهار داشت که منشأ نزاع های خونین در قفقاز همدا ت نه "نوعی فئاتیسم مذهبی پوشیده" بلکه اساسا یک

"ناسیونالیسم افراطی" و "نفرت ریشه ای" میان دو ملت است.

بنا به گزارش مطبوعات شوروی "محافل افراطی ایرانی" با ارسال اسلحه در درگیری های بوتوق پیوسته مداخله کرده اند. روزنامه ایزوستیا گزارش داد که بر روی رود مرزی ارس پلهای چوبی متعددی بنا شده و تجارت اسلحه رواج گسترده ای دارد. هزاران نفر در مناطق نخجوان و جلال آباد مرزهای ایران و شوروی را از هر دو سو در نور دیده اند.

نخجوان که در چارچوب آذربایجان شوروی منطقه ای خودمختار است از شوروی اعلام استقلال کرد. دولت شوروی در این منطقه وضعیت فوق العاده نظامی اعلام کرد و از دول ایران و ترکیه و همچنین سازمان ملل متحد خواست که رسمیت مرزهای بین المللی را رعایت کنند.

آخرین خبرها حاکی است که با شرکت نمایندگان ارتش شوروی در مرز آذربایجان و ارمنستان، مذاکرات جبهه دفاع ارمنستان و جبهه خلق آذربایجان جهت برقراری آتش بس آغاز گردیده است.

گاسپاروف از باکو به

مسکو گریخت

گاری گاسپاروف، قهرمان شطرنج جهان بخاطر قتل هممهای ضد ارمنی در آذربایجان به اتفاق خانواده خود به مسکو گریخت. وی در مصاحبه ای با روزنامه اسپانیایی ال پاپس دولت شوروی را متهم به بی عملی کرد. گاسپاروف که فرزند یک مادر ارمنی و پدر یهودیست در این مصاحبه اظهار داشت که وی به همراه ۵۹ نفر دیگر به وسیله هواپیمایی که توسط دوستان او به باکو فرستاده شده بود به مسکو پرواز کرده اند.

گاسپاروف هنوز از تساوت هایی که در روزهای گذشته ناظر آن بوده بجهوت است. به گفته وی گارپاچف نیز بخاطر مدارایی که نسبت به این تراژدی روا داشته مسئول می باشد.



تعداد زیادی از مردم آذربایجان و ارمنستان مسلحانه رو در روی هم ایستاده اند - عکس دو ناسیونالیست ترک مسلح را در لنگران نشان می دهد.

پاسخ دکتر لاهیجی به "کیهان هوایی":

قلم شما در خدمت ارباب زور و زور و تزویر است

دکتر عبدالکریم لاهیجی "رئیس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران" در تاریخ ۱۵ آذر ماه طی نامه مفصلی خطاب به مدیر "کیهان هوایی" سیاست و رویه این نشریه را در تخطئه مخالفان فکری و توسل به ارباب و ترور شخصیت مخالف مورداً نقد قرار داد. رونوشت این نامه برای چند نشریه ایرانی خارج از کشور، از جمله نشریه اکثریت ارسال شده است که مادر اینجانبش هائی از آنرا درج می کنیم:

که در ضدیت با انقلاب به خارج گریخته اند"، در موضع نایب و باطل ...

لابد فراموش نکرده اید که مبداء تاریخ ما هجرت پیامبر اسلام است و او در تقابل با ارباب قدرت، که چون شما موضع خود و نقطه موضع خود را بر حق می دانستند و از این رو قصد جان او را داشتند، گزیری فیر از گریز نداشت.

بنابراین "فرار" فی نفسه نه ستوده است و نه نکوهیده و این انگیزه و داعی همل است که باید مبنای مملکت داورى قرار گیرد. آیا هرگز از خود پرسیده اید که چنانچه این گروه "به اصطلاح روشنفکر و لیبرال ایرانی" همچون خیل هظیمی از بیش از یک میلیون ایرانی که در خارج از ایران بسر می برند، از مهرکه نگریخته بودند آیا سرنوشتی فیر از تیرباران، طناب دار، زجر و شکنجه و حبس و اظهار توبه و ندامت در "مصاحبه های تلویزیونی" و در برابر ارباب مطبوعاتى چون شما، در انتظارشان بود؟

شما به نوشته تان عنوان "فرب جهنم پناهندگان" را داده اید. اما آیا هرگز از خود سؤال کرده اید که رژیم جمهوری اسلامی چه بر سر ایران و ملت ایران آورده که بیش از یک میلیون ایرانی، با استقبال خطرات و مشکلات گوناگون، تن به مهاجرت داده و به "جهنم فرب" پناهنده شده اند؟ آیا ضرب المثل "مارقاشیه" را به خاطر دارید؟ فراموش نکنید که این فاجعه برای اولین بار در تاریخ ایران اتفاق افتاده و هرگز مهاجرتی به این عظمت و در این تنوع اجتماعى - سیاسى در تاریخ ما سابقه نداشته است. موانع و مشکلات گوناگونى را که در راه خروج مردم ایجاد کرده اید بردارید، موج جدید مهاجرت را ملاحظه خواهید کرد.

مگر رژیم جمهوری اسلامی راهی فیر از مرگ و حبس و شکنجه

مدیر کیهان هوایی در پی انتشار سلسله مقالات اینجانب تحت عنوان "هغو بین الملل و جمهوری اسلامی ایران"، در نشریه "آزاده" ارگان جامعه حقوق بشر ایران، وعده کرده بودید که: "کیهان هوایی مستقلاً به مطالب آقایان پاسخ خواهد داد".

برای اینجانب دور از انتظار نبود که در مقام جواب، به جای پاسخگویی روشن و منجز، مطابق رویه معمولتان، مقادیری شعار و سنسمله و مقلطه و اجیانا افترا و بهتان نسبت به مدافعان حقوق بشر، ردیف کنید. اما هرگز تصور نمی کردم که تانیه را چنان بازید که دست به دامان یک بیمار روانی شوید و از باطیل و ترهات او چماقی برای اسکات و ارباب و ترور شخصیت اینجانب و چند تنی دیگر از مخالفان رژیم جمهوری اسلامی، تعبیه نمایید.

هرکس که از اندکی سواد، شعور و عقل سلیم برخوردار باشد، پس از خواندن مطلب دنباله داری که شما زیر عنوان "فرب جهنم پناهندگان" به نقل از "یادداشت های یک نویسنده پناهنده ایرانی درباره ماهیت حقوق بشر در فرب" در شماره های ۸۵۳ تا ۸۵۵ کیهان هوایی درج نموده اید در می یابد که بایک بیمار روانی و مبتلا به بیماری "پارانویا" سروکار دارد، موجودی که تمام دنیا را رقیب و دشمن خود می پندارد که درصدد ایدانوادیت او هستند و حتی قصد جانش را کرده اند و گوش خوابانده اند که معتقدات و مقدسات او را از وی برابند!

... و اما پاسخ ماهوی - اینکه بارها و بارها به تعریض و کنایه از "فراریان" و "گریختگان" یاد می کنید، برای القاء این فکر است که شما و رژیم متبوع شما در موضع حقانیت قرار دارید و عده ای "به اصطلاح روشنفکر و لیبرال ایرانی،

گزند شما در امان نیستند؛ نه از گزند کماندوهای مرگ و آدمکشان حرفه ای شما و نه از تیر طعن و دشنام و بهتان و هتاکى قلمزنان شما، از شما بعید نیست که فردا به همین شخص یا دیگری ماموریت دهید که با گلوله ای به زندگی من خاتمه دهد ولی با شناختی که نسبت به گذشته سیاسى - اجتماعى اینجانب دارید می دانید که در قبال تهدید و شانناژ میدان را خالی نمی کنم که:

ناز پرورد تنعم نبرد راه به دوست

هاشقی شیوه رندان بلاکش باشد....

اما دهنوی آزادگی و استقلال و عدم وابستگی به سرویس های امنیتی شرب و شرق و عدم سواستفاده و فارت ثروتهای ملی و بهره گیری از کمیسیون های فروش مخفیانه نفت و خرید اسلحه قاچاق را باید کسانی اقامه کنند که یکی از خونخوارترین و جبارترین و فاسدترین حکومت های تاریخ ایران را بر مردم ایران مسلط کرده و افتضاحاتی نظیر "ایران گیت" به بار آورده اند. کسانی که همری در راه استقلال و آزادی کشورشان گذارده اند و اکنون نیز در دیار فربت به سختی روزگار می گذرانند نه دستی بر هستی و ثروت مردم ایران داشته اند و نه در معاملات و سوداگری های بین المللی مداخله ای، تا شائبه وابستگی و سواستفاده و فساد درباره آنان برود.



نظری به مواضع آقای حسین نزیه پیرامون مسأله آذربایجان

کیهان لندن در شماره ۲۸۴ خود مقاله‌ای از آقای حسن نزیه را چاپ رسانده است. مقاله به مناسبت وقایع اخیر "آذربایجان شمالی نگاشته شده و بیانگر مواضع آقای نزیه در این زمینه است. نظر به اهمیت موضوع و شعاع اثر این وقایع - که به حدود جغرافیایی معینی محدود نشده و نخواهد شد - نقد مواضع آقای نزیه در این خصوص، را ضروری دانسته و به بررسی مقاله مذکور می‌نشینیم.

مقاله، مقدماتاً با اشاره‌ای به برخورد دورنگرانه لنین به مسأله "اقوام" زیر سلطه تزار و عدول بعدی استالین از عقاید لنین، به تضاد درباره جنبش دموکراتیک مردم آذربایجان در سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ می‌نشیند و می‌نویسد: "استالین... در صدد برآمد آذربایجان جنوبی را هم مانند آذربایجان شمالی از ایران جدا کند تا از این خطر محتمل که روزی مردم آذربایجان خواهند به هموطنان خود در ایران پیوسته و به اصل اصیل خود و به اصل ایرانی بودن خود برگردند، پیشگیری کند."

تحلیل و ارزیابی از جنبش مذکور بعنوان توطئه‌ای از جانب استالین به استناد حضور و نقش ارتش سرخ در وقایع آن روزگار آذربایجان، تحلیلی غیر واقعی و بسیار محدود است. جهان در سالهای پایانی جنگ دوم و پس از آن صحنه اوج‌گیری بی‌سابقه جنبش‌های ضدفاشیستی، رهایی‌بخش و ملی بود. جنبش ملی و دموکراتیک در آن سالها مطلقاً به ایران و در ایران به آذربایجان محدود نبود. دهه ۲۰ در تاریخ ایران یک دهه طوفانی و پر جنب و جوش است. حرکت‌های دموکراتیک اوج‌گیر در آغاز این دهه، چه در میان خلقها و چه در میان لایه‌ها و طبقات مختلف جامعه ایران، حکایت از شکل‌یابی روندی دارند که در تداوم خود با جنبش مردم آذربایجان و کردستان اوج می‌گیرد و به نهضت ملی شدن نفت و روی کار آمدن دولت ملی دکتر مصدق می‌انجامد. اینها همه اجزا یک مبارزه واحد هستند و دموکراسی و رهایی ملی در جلوه‌های مختلف آن هدف مشترک تمامی آنهاست. در واقع این روند واحد از جمله از این ضعف اساسی نیز رنج می‌برد که هماهنگی و

همزمانی لازم در میان اجزای آن بوجود نیامد، و همین ضعف در شکست تک تک اجزای مذکور سهم موثری داشت.

این نیز واقعیت تلخی است که در میان رهبران وقت حزب کمونیست اتحاد شوروی و بویژه رهبران حزب کمونیست آذربایجان شوروی تمایلات مختلفی از جمله تمایلات ارتجاعی، عظمت طلبانه وجود داشته است. اما این واقعیت بهیچوجه نمی‌تواند دستاویز تخطئه یک جنبش مردمی قرار گیرد. سیاق داوری اگر چنین باشد، دشوار بتوان در تمام تاریخ، جنبشی مردمی یافت.

اما آقای نزیه تنها به همین واقعیت تلخ اکتفا دارد و به همین سبب هم هست که حکم تلخی هم صادر می‌کند: "همه به خاطر داریم که (استالین) با چه عکس‌العمل و مقاومت افتخارآمیزی مواجه شد و چگونه مردم آذربایجان و سراسر ایران تمام رشته‌های وی و دست‌نشاندهانش را در فرقه دمکرات و حزب توده پنبه کردند."

در اینجا لشگرکشی شاه به آذربایجان و سرکوب جنبش مردم آذربایجان، که چنان که گذشت در شکست تمام جنبش‌های بعدی مردم ایران در آن دهه بی‌تأثیر نبود، مقاومت افتخارآمیز مردم آذربایجان و سراسر ایران قلمداد می‌شود. با این وجود تا آنجا که پای تحلیل گذشته در میان است و این تحلیل هنوز سیاست آتی را رقم زده است می‌توان از نشاندهنده "توطئه استالین علیه آذربایجان" و "مقاومت افتخارآمیز مردم آذربایجان و سراسر ایران" بجای "جنبش دموکراتیک مردم آذربایجان" و "لشگرکشی شاه به آذربایجان و سرکوب جنبش" "فماض" کرد. اما ابعاد قضیه محدود به این تحلیل و محصور در گذشته نیست. آقای نزیه پیرامون "ابعاد مسأله‌ای که پیش آمده است" می‌نویسد: "آذربایجان یک بخش لایتنجری ایران است و مردم آذربایجان در طول تاریخ به موجب اسناد موجود غیر قابل نفی و انکار، ایرانی بوده، ایرانی مانده‌اند و به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند. اکثریت قریب به اتفاق میلیون‌ها

آذربایجانی آن سوی مرز هم (منعای اقلیتی ماجراجو، جاه‌طلب و وابسته بی‌اماندگان فرقه دموکرات) ... آرزو دارند روزی به ایران، سرزمین و وطن اصلی خود بپیوندند. هر ایرانی هم خود را شریک چنین آرمان و آرزویی می‌شمارد و امیدوار است سیاست مدبرانه و تحسین آمیز گارباچف - مبنی بر آزادسازی اقوام - تا آنجا پیش رفته و پیروز شود که مفسده شهر قفقازیه هم که با قرارداد تحمیلی ترکمانچای از ایران جدا شده است به صاحب ذیحق و اصلی آن یعنی آقوش مادر وطن برگردد."

چنین جستجویی در "اسناد موجود غیر قابل نفی و انکار" متأسفانه جستجویی است ناموجه، فاقد واقع بینی نسبت به واقعیتها و تحولات بین‌المللی و متضمن برخوردی غیر دموکراتیک به حقوق ملل و از جمله آذری‌ها. آقای نزیه مطالبه تجدید نظر در مرزهایی را دارد که بیش از ۶۰ سال از مهر آن می‌گذرد. جغرافیای سیاسی جهان در حال حاضر چهره‌ای کاملاً متفاوت با آنچه که حتی در آغاز همین قرن داشت دارد. تغییراتی که در این چهره بروز کرده و تبدیل به خطوط ثابت آن شده‌اند، در بسیاری موارد نیز مطلقاً خلعت "بازگشت به آقوش مادر وطن" را نداشته‌اند. مطالبه آقای نزیه دستلزم بازگشت این جغرافیا به حدود دو قرن پیش است.

یکسال و اندی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، هنوز صلحی تضمین شده میان ایران و عراق برقرار نشده است. چرا؟ قطع نظر از دلایل دیگر، به این دلیل اساسی نیز، که عراق خواهان تجدید نظر در مرز بین ایران و عراق است. اما اگر خواست عراق معقولانه نیست - که نیست - و پافشاری اش بر این خواست جنگ‌افروزانه است - که هست - به این اعتبار است که مرز بین این دو بر قراردادهای پذیرفته شده بین‌المللی استوار است. همچنین است مرز بین ایران و شوروی. و چنین است که مطالبه آقای نزیه ناموجه و فاقد واقع بینی نسبت به واقعیتها و تحولات بین‌المللی جلوه می‌کند.

در اینجا لازم است نکته‌ای را

متذکر شویم. امروزه خواست جدایی از اتحاد شوروی در میان بعضی از جمهوریهای آن مطرح است و در روزهای اخیر طنین گسترده تری یافته است. سوال "آیا اتحاد جمهوریهای شوروی از هم خواهد گسیخت؟" نیز سوالی است که "نمی‌توان آن را نادیده گرفت" اما اینکه ما می‌گوئیم مطالبه آقای نزیه، به این دلیل که مطالبه‌ایست برای تجدید نظر در مرزهای بین ایران و شوروی، ناموجه و غیر واقع بینانه است آیا به این معنا نیز هست که پاسخ ما به سوال فوق منفی است و "برای موجه بودن" باید هم که منفی باشد؟ نه، الزاماً. مناسبات بین ایران و شوروی - یا هر دو کشور دیگری - مقوله‌ایست متفاوت با مناسبات جمهوریهای مختلف شوروی در چارچوب اتحاد شوروی. به نظر ما گسستن اتحاد جمهوریهای شوروی، صرف نظر از عواقب بین‌المللی آن، متضمن منافع مردم این یا آن جمهوری که اتحاد را می‌گسند نیست، اما این، و راهی که پس از گسست برگزیده می‌شود، امریست مطلقاً مربوط به مردم آن جمهوری. نه تابع ملاءت ما و نه تابع "اسناد غیر قابل نفی و انکار".

از همین روست که می‌گوئیم مطالبه آقای نزیه حاوی برخوردی غیردموکراتیک به حقوق ملل نیز هست. البته آقای نزیه از ذکر کلمه ملت و آذری برای مردم آذربایجان خودداری می‌ورزد و وجود آذربایجان را مقدم بر وجود آذریها تصویر می‌کند. از این‌ها که بگذریم چنانکه در تکه نقل شده از مقاله پیداست حق مردم "مفسده شهر قفقازیه" برای اینکه "اگر سیاست مدبرانه و تحسین آمیز گورباچف... پیروز شود" و آنها "آزاد شوند" بتوانند دولت خویش را تشکیل دهند از آنها سلب شده و بدون توجه به گذشت نزدیک به دو قرن تاریخی کاملاً متفاوت بر آنان، چاره‌ای جز اینکه به "آقوش مادر وطن" برگردند برایشان باقی گذاشته نشده است. در دنباله مقاله این برخورد غیر دموکراتیک به تمعید نیز می‌انجامد: "اما افرادی که با سونیت و خیال باطل به وجود آوردن آذربایجان مستقل و واحد را می‌طلبند، دشمنان استقلال و تمامیت ارضی ایران و... به شمار می‌روند و مردم ایران

نظری به مواضع آقای حسن نژیبه پیرامون مساله آذربایجان

بقیه از صفحه ۹

باید... در برابر افکار ارتجاعی این اقلیت... با قلم و قدم به مبارزه برخیزند... مبارزه با قدم هم یعنی لگدمال کردن.

مقاله در ادامه بدرستی بر سیاست ارتجاعی جمهوری اسلامی در قبال مساله که خود آنرا توسل "مزورانه به اسلام" توصیف می کند انگشت گذاشته و به نتیجه درست وظیفه سنگین تر مردم ایران در برابر ماجراجویی جمهوری اسلامی رسیده است. اما مقاله توجه نکرده است که سیاستی که در این باره بر قایل شدن "ذات ایرانی" برای این و آن ملت استوار باشد بی شباهت به سیاستی که خود از آن انتقاد می کند از کار در نخواهد آمد. آقای نژیبه مقاله خود را با پیام کوتاهی به "آذربایجانیان آنسوی

مرز" به پایان می برد، که آن نیز از هدم واقع بینی مصون نیست. در همین حال کوششی است برای ارائه تصویری واقعی از رژیم جمهوری اسلامی به مردم آذربایجان شوروی. تصویری که هنوز از دید آنان دور نگهداشته شده است. بعلاوه در این پیام آقای نژیبه از مردم آذربایجان شوروی دعوت کرده است که "ارزوی مسافرت و دیدار بستگان و هموطنان ایرانی را به پس از سرنگونی جمهوری اسلامی" موکول کند. دعوتی که متین به نظر نمی رسد.

کوتاه سخن اینکه متاسفانه در مواضع بیان شده در مقاله کمتر نشانی از واقع بینی، دموکراتیسم، ملی گرایی و درایت سیاسی می توان یافت.

توافق نامه های اقتصادی - تجاری میان

اتریش و ایران

بک" و صادرات کالاهای غیر نفتی ایران به این کشور صورت خواهد پذیرفت.

باید خاطر نشان نمود که ملی ماچای اخیر مناسبات میان دولت اتریش و ایران بواسطه اظهارات برخی مقامات دولتی این کشور پیرامون قتل دکتر عبدالرحمان قاسملو و یارانش که آنرا متناسب به عوامل جمهوری اسلامی می دانستند تا حدودی تیره گشته بود. مقامات امنیتی و پلیس اتریش در ماههای گذشته اعلام کرده بودند که شواهد انکار ناپذیری دال

بر شرکت عوامل مستقیم جمهوری اسلامی در جریان قتل دکتر قاسملو وجود دارد و به همین خاطر در ماه گذشته ساختمان سفارت ایران در وین بطور کامل در محاصره پلیس اتریش قرار گرفته بود و عناصری که به ساختمان سفارت رفت و آمد داشته اند مورد بازرسی و بازپرسی قرار گرفته بودند بطوریکه این موضوع باعث گردید که از طرف وزارت خارجه حکومت اسلامی اعتراضیه ای صادر شود.

توافق های اخیر مقامات اقتصادی دو کشور و اشاره به افزایش حجم مبادلات بازرگانی طرفین در ماههای اخیر بر انجام توافق هایی پیرامون مسکوت گذاردن جنایت قتل دکتر قاسملو نیز دلالت دارد.

دنبال سفر یک هیئت اقتصادی اتریشی به ایران یک توافق نامه همکاریهای اقتصادی و تجاری میان دو کشور با مضار رسید.

معاون وزیر صنایع حکومت ضمن اشاره به تحرک اخیر مناسبات اقتصادی و تجاری ایران و اتریش اعلام کرد هیئت اقتصادی اتریشی با پیشنهادات ایران در مورد تضمین و تثبیت مناسبات اقتصادی و تجاری دو کشور و استفاده از روش "بای بک" در مناسبات اقتصادی موافقت نموده است.

مدیر عامل سازمان صنایع ملی ایران نیز در خصوص همکاری های دو کشور گفت: "... جمهوری اسلامی مایل است در زمینه صنایع، صنایع فنی، معادن با استفاده از ظرفیت های صنایع ایران و همچنین تحصیل و آموزش با اتریش همکاری کند، که مورد موافقت هیئت اتریشی قرار گرفت.

در پایان دیدار هیئت اقتصادی اتریشی از ایران بر مبنای توافق نامه طرفین اعلام شد که دولت اتریش در زمینه صنایع کاذب سازی، متالوژی، شیمیائی و پتروشیمی و خصوصاً در زمینه همکاری در طرح های اقتصادی و بازاری موجود در برنامه پنج ساله دولت مشارکت خواهد کرد و همکاری های صنعتی به روش "پرداخت دراز مدت" و "بای

واقعیت، باصلابت، قلب رژیم رانشانه رفته است

بقیه از صفحه آخر

شده و به آگاهی مردم رسانده شده اند، در سطح جامعه منتشر شده و مجدداً در گزارش ها و

بولتن های نشریات داخل کشور بازتاب می یابند. به همین دلیل انتشار لیست نادقیق "بانگ رهایی" توسط حزب دموکراتیک مردم ایران، بدون تدقیق آن را قابل انتقاد می دانیم. کمترین زیان ارائه فهرست های نادقیق این است که به رژیم تبعکار جمهوری اسلامی این امکان را می دهد که با اتکا به وجود چند نام غیر واقعی و اشتباه در لیستی که حداقل نام هزار تن از قربانیان این تبعکاری بی سابقه را شامل است. برای پوشاندن جنایت خود به مانورهای تبلیغی دست زند.

به همین گونه است ارائه آمار صد و چند هزار نفره از سوی سازمان مجاهدین خلق در مورد تعداد زندانیان سیاسی که خود به یک ضد تبلیغ بدل شده و بی باوری برخی محافل بین المللی به آن همه جنایات رژیم و خیل عظیم زندانیان سیاسی و اعدام شدگان را به دنبال می آورد. آیا رقم کشتار چند هزار زندانی سیاسی فقط در فاصله سال گذشته و تعداد واقعی زندانیان سیاسی خود به حد کافی افشاگر رژیم تبعکار و خونریز آخوندهای حاکم نیست؟

واقعیت در تمامیت خود و با صلابتی کوبنده مستقیماً قلب جمهوری اسلامی را نشانه رفته است.

"طلایه داران عفاف"

بقیه از صفحه آخر

جمهیت های وابسته به آنها آگاهند. آنها به این واقعیت پی برده اند که رژیم فقط تحت پوشش جنجال تبلیغاتی علیه فساد و فحشا، حقوق و آزادی های اولیه فردی اجتماعی و انسانی آنان را نشانه رفته است. زنان ایران بر این امر واقفند که عامل فساد واقعی و دامن گستر در جامعه پیش از آنکه به عواملی مانند شاهه فرهنگ غربی مربوط باشد ره آورد حکومت ارتجاعی و فسادپرور آخوندها و نتیجه جنگ خانمانسوز هشت ساله آنهاست.

برگزاری تظاهرات "طلایه داران عفاف" در این مقطع زمانی و در گیرودار کشمکش های جناح های رقیب حکومتی هدف اساسی دیگری را

نیز دنبال می کند. جناح تندرو با فعال کردن جمهیت اسلامی زنان و هلم کردن دختر خمینی در پی آن است که امر می کارا و بالهفل در جنگ قدرت علیه رقیب دست و پا کند. حمایت گروه های متعلق به جناح تندرو از این اقدام و مضمون قطعنامه راهپیمایی موید این امر است. پیشگیری از تحریف در آثار و اندیشه های خمینی و مقابله با ورود آنچه که فرهنگ مبتذل غرب و بدحجابی خوانده می شود دوبند مهم قطعنامه "طلایه داران عفاف" هستند که سیاست های جناح رقیب را هدف گرفته اند.

در این میان آنچه که از این بندبازها هاید مردم و به خصوص زنان میهن ما می شود تضییقات نژادینده و ضایع شدن هر چه بیشتر حقوق اولیه آنهاست.

کنفرانس ۲ روزه پاریس پیرامون مسأله کامبوج

رونالد دو ماس، وزیر خارجه فرانسه، در کنفرانس دو روزه کامبوج که با شرکت ۵ کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد در پاریس برگزار شد گفت: باید اکتفا از بازگشت خمرهای سرخ به قدرت ممانعت کرد، باید با همه وسایل ممکن راه حلی برای پایان جنگ جستجو کرد، وی خاطر نشان ساخت فرانسه با احیای سیادت رژیم پل پوت در پنوم پن سر سازگاری نخواهد داشت. فرانسه که تا کنون از سیهانوک، رهبر «ائتلاف مقاومت»، حمایت می‌کرد، با انتقاد هلنی از خمرهای سرخ برای نخستین بار از سیهانوک فاصله گرفت.

پیش‌برد، بر مبنای این طرح کشور کامبوج که اکنون بر اثر جنگ داخلی دچار تشتت و پراکندگی است تا انجام انتخابات آزاد تحت اداره سازمان ملل متحد قرار می‌گیرد. پس از آنکه جمهوری خلق چین نیز برای سازمان ملل «تقاضای بسیار با اهمیت» تائل شد، چشم‌انداز توافق میان ۵ کشور عضو شورای امنیت - لائو، بر روی کاغذ - روشن شد. به این ترتیب وزاری خارجه کشورهای مزبور موافقت کردند به منظور حل مسأله کامبوج تا انجام انتخابات آزاد در این کشور بطور موقت اداره امور به همه سازمان ملل متحد واگذار شود. وزیر خارجه فرانسه در این خصوص اظهار داشت اندیشه حکومت همه احزاب در کامبوج متعلق به گذشته است.

اندیشه مزبور که تا قبل از کنفرانس اخیر مورد پشتیبانی چین و آمریکا قرار داشت و از سوی سیهانوک

بزرگ جهان هنوز تردید وجود دارد.

تا کنون یکی از رهبران نیروهای اپوزیسیون، سون سان، با طرح استرالیا اعلام موافقت کرده است، در حالی که این طرح توسط خمرهای سرخ رد شده است.

قرار است در ماه فوریه مجددا مذاکرات صلح در جاگارتا، پایتخت اندونزی، برگزار شود. هون سن، نخست وزیر کامبوج، در شهر هوشی مین (سایگون سابق) آمادگی خود را جهت شرکت در این مذاکرات اعلام کرد. در مذاکرات مزبور، دولت کامبوج، ائتلاف مقاومت، کشور عضو «سه آن» و فرانسه، لائوس و ویتنام شرکت خواهند کرد.

مطالبه می‌شد مشارکت همه احزاب درگیر، از جمله خمرهای سرخ را، در یک حکومت گذار تا انجام انتخابات مد نظر قرار می‌داد. سیهانوک طی نامه‌ای به انتقاد از تصمیم پنج کشور پرداخت و اظهار داشت قدرتهای بزرگ دیگر خواهان پذیرش نقش رهبری وی در کامبوج نیستند. وی کشورهای غربی - بخصوص فرانسه - را متهم کرد که در جهت شکست ائتلاف سه‌گانه تحت رهبری وی تلاش می‌ورزند. سیهانوک به همراه جریان مائوئیستی خمرهای سرخ و جریان ناسیونالیستی سون سان علیه دولت کامبوج مبارزه می‌کند.

به این ترتیب در مورد تحقق موارد توافق در کنفرانس ۵ کشور

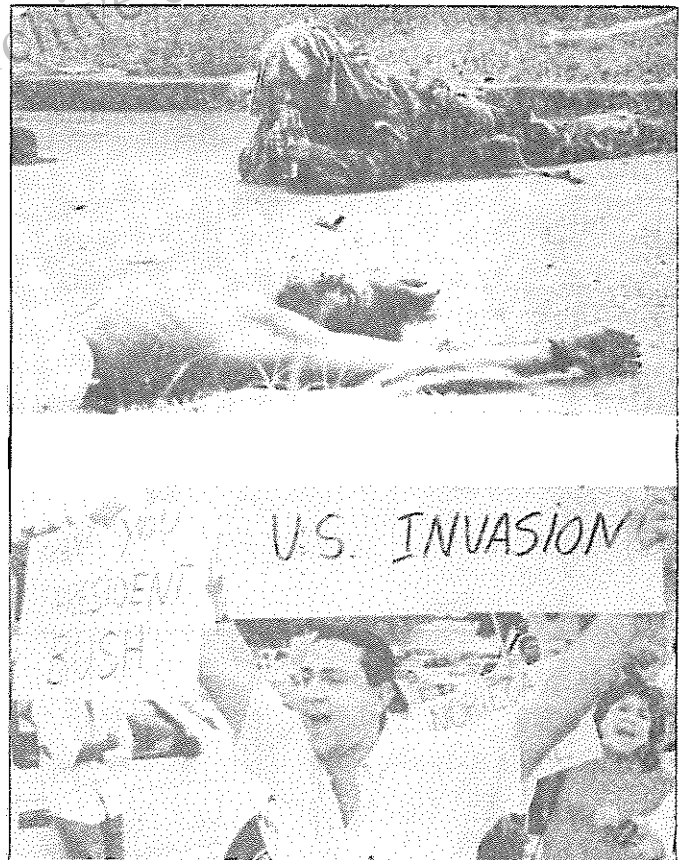
انتخابات در جمهوری دموکراتیک آلمان و سیاست

آلمان غربی

مسیحی‌ها و سوسیال مسیحی‌ها نمایندگان حزب لیبرال و حزب سوسیال دموکرات جمهوری فدرال آلمان نیز اپوزیسیون جمهوری دموکراتیک آلمان را فرا خوانده‌اند که برای شکست دادن حزب متحده سوسیالیست اختلافات خود را کنار نهند. اکنون فضای روابط دو آلمان بر اثر سیاست‌های هوافضایی و مداخله جویانه آلمان غربی به تیرگی گراییده است. تبلیغات سیاسی تحریک‌آمیزی که اکنون در آلمان غربی به نمایش گذاشته می‌شود دلایل روشنی دارد حزب نوسازی شده متحده سوسیالیست - سوسیالیسم دموکراتیک برای خود جا باز کرده است. دولت مدرن و قدم به قدم به پیش می‌رود. انتظارات ارتجاعی دولت آلمان غربی مبنی بر انزوای حزب متحده سوسیالیست در میان مردم به تحقق نپیوسته است. در چنین اوضاعی استراتژی‌های سرمایه‌داری چاره را در متشنج کردن فضا دیده‌اند. بوت و کرانی منزجر کننده دستگاه تبلیغاتی آلمان غربی علیه نضج یک فضای واقعا دموکراتیک برای برگزاری انتخابات و تلاش غرب جهت مسموم کردن فضای سیاسی در جمهوری دموکراتیک آلمان، مفهوم دموکراسی ادعائی آنان را آشکارتر می‌کند.

دخالت احزاب سیاسی دست راستی جمهوری فدرال آلمان در امور داخلی جمهوری دموکراتیک آلمان ابعاد بی‌سابقه‌ای یافته است. در آستانه انتخابات در آلمان دموکراتیک همه پرده‌ها فرو می‌ریزند. بعنوان نمونه، درگر، رهبر فراکسیون دموکرات مسیحی، گفته است که: آماده است در کارزار انتخاباتی جمهوری دموکراتیک آلمان شرکت نماید. وی مشارکت در این انتخابات را مهمتر از رهبری یک مبارزه انتخاباتی در یکی از جمهوریهای آلمان فدرال قلمداد کرد. درگر هیچگونه شکی پیرامون هدف خود از شرکت در کارزار انتخاباتی در آلمان دموکراتیک باقی نگذارد: او صریحا خواستار ایجاد «یک آلمان واحد عضو پیمان نظامی ناتو» شد.

تنو وایگل، رهبر حزب فوق محافظه کار سوسیال مسیحی آلمان غربی، در مصاحبه‌ای با روزنامه «دی ولت» گفت خطر برای دموکراسی در جمهوری دموکراتیک آلمان نه از جانب راست بلکه از جانب «سوسیالیسم رادیکال» حزب متحده سوسیالیست آلمان برمی‌خیزد. اکنون اغلب روزنامه‌های آلمان غربی نمایشگر هجوم هیستریک به دولت جمهوری دموکراتیک آلمان می‌باشند. علاوه بر دموکرات



خیابان‌های پانامای اشغال شده؛ ترنگاه تروریست‌های دولتی ایالات متحده و قتلگاه مردم بی‌دفاع

واقعیت، باصلابت، قلب رژیم را نشانده رفته است

"طلایه داران عفاف"

است، طی مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان اعلام کرد که برگزاری این راهپیمایی سرآغاز برنامه منصل و گسترده‌ای است که این جمعیت برای پیاده کردن احکام اسلامی در جامعه اصرار از اصل و فرع طراحی کرده است. وی اضافه کرد که از تمام مسئولان کشور از جمله خامنه‌ای خواسته شده است که ضمن معرفی نماینده با آنها همکاری نمایند.

"طلایه داران عفاف" چماق جدیدی است برای تشدید تضييقات و تحمیلات ارتجاعی رژیم آخوندی علیه زنان میهن ما. هلیرقم تشدید جو خفقان و فشار علیه مردم بویژه زنان، آنها طی مقاومت دهمساله خود نشان داده‌اند که تسلیم خواسته‌ها و تراوشات ذهن عقب‌مانده فقها نشده و بر پوچ بودن تبلیغات سران رژیم و

بقیه در صفحه ۱۰

روز جمعه ۲۲ دی ماه تظاهراتی از طرف زنان "محجبه" به دعوت جمعیت زنان جمهوری اسلامی در خیابان‌های تهران به راه افتاد. تظاهرکنندگان ضمن دادن شعار علیه هرگونه "فساد، بدحجابی و بی‌بندباری" در جامعه نسبت به اشاعه "فرهنگ مبتذل غربی" در میان زنان هشدار دادند!

این راهپیمایی که تحت عنوان "طلایه داران عفاف" برگزار شد از جانب محافل و نهادهای مختلف از جمله دفتر تحکیم وحدت و سازمان تبلیغات اسلامی مورد پشتیبانی قرار گرفت و همزمان با آن شهرهای دیگر از جمله شهرری، نیشابور و بوشهر شاهد تظاهرات دستجاتی از زنان با مضمون مشابه بود.

خانم زهرا مصطفوی، دختر خمینی که موسس و دبیرکل جمعیت زنان جمهوری اسلامی

که در انتشار ضرورتا پرستاب اسامی زندانیان بر دار شده، بخاطر اختناق حاکم بر کشور، اشتباهاتی هم رخ خواهد نمود. اشتباهاتی چون ذکر یک مورد به دو یا چند شکل، درج فیر دقیق یک نام و حتی ذکر نام زندگانی در میان اهدام شدگان. گذشت زمان نشان داد آخرین لیست تکمیل و تصحیح شده منتشره از سوی نشریه اکثریت که نام ۷۶۰ تن از زندانیان اهدام شده در فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی را شامل می‌شد، متأسفانه کمتر از انگشتان یک دست اشتباه (از نوع مورد آخر) داشت و همه آن همیزان به دست رژیم جلاذ جمهوری اسلامی اهدام شده‌اند.

از همان زمان آشکار بود که می‌بایست برای جمع‌آوری نام همه قربانیان فاجعه ملی که رقمی معادل چندین برابر اسامی منتشره را شامل می‌شود، و تبدیل هر نام به یک پرچم، کاری تحقیقی و از روی فرصت نیز صورت گیرد. ما پیشنهاداتی برای تشکیل کمیسیون‌های مشترک متشکل از نمایندگان کلیه نیروهای سیاسی ایرانی برای مبادله، تدقیق و جمع‌آوری اطلاعات لازم در مورد زندانیان کشتار شده بقیه در صفحه ۱۰

در تابستان و پائیز سال گذشته جمهوری اسلامی یکی از خوفناک‌ترین جنایات تاریخ زندگی ننگین ده‌ساله‌اش را به انجام رساند. چند هزار زندانی سیاسی در کشتاری همگانی بخاک افکنده شدند. داغ از دست دادن دیرترین و شریف‌ترین فرزندان این آب و خاک جراحی التیام ناپذیر بر قلب مردم نهاد.

آن زمان در اوج کشتار، مانیز ابعاد گسترده این جنایت را نمی‌توانستیم باور کنیم. اما نام‌ها و عکس‌ها و خبرها راه‌گریزی بر ایمان باقی نگذاشت. دم به دم اخبار جدید و اسامی جدید باید ابعاد فاجعه را به جهانیان می‌نمایانیم. می‌خواستیم جهانیان باور کنند که در کشور ما جنایتی بوقوع پیوسته است که پس از سقوط فاشیسم هیتلری کم‌سابقه بوده است. باید می‌کوشیدیم - اگر می‌شد - با تیاننده‌ها را نجات داد و به همین منظور می‌بایست با شتاب اسامی زندانیان سیاسی قتل عام شده را انتشار داد تا مستند افکار عمومی مردم جهان را - که به خاطر فاصله بسیار منش و ذهنیت بشر متمدن کنونی از این توحش قرون وسطایی، بسیار ناباورانه به این واقعه می‌نگریست - از حقیقت فاجعه مطلع کرد. و می‌دانستیم

شورشیان افغانی از جنگ خسته شده‌اند

کرده و یابشدهت کاهش داده‌اند. گزارش‌های خبری حاکی است که افراطیون مسلح افغان در آخرین تهاجم مسلحانه گسترده خود به منطقه خوست در هفته اخیر، با متحمل شدن تلفات سنگین (متجاوز از ۵۸۵ کشته) ناگزیر از عقب‌نشینی شده‌اند. این آزمون تلخ یکبار دیگر به نیروهای افراطی مسلح نشان داده است که مساله افغانستان راه حل نظامی ندارد. تحولات جمهوری افغانستان طی ماههای اخیر، همچنین، دولتهای غربی را نیز بر آن داشته است تا چشم خود را بروی واقعیت بگشایند. پس از گشایش سفارت فرانسه در کابل، اکنون، دولتهای ایتالیا و آلمان نیز در صددند تا با گشایش مجدد سفارتخانه‌های خود در کابل، مناسبات خویش را با جمهوری افغانستان هادی سازند.

طبق اطلاعات و برآوردهای موجود از زمان خروج نیروهای شوروی از افغانستان، در حدود ۷۰ درصد شورشیان افغانی به نبرد علیه دولت افغانستان پایان داده‌اند. سخنگوی وزارت امور خارجه افغانستان نیز اخیراً طی اظهاراتی، شمار تقریبی نیروهای افراطی مسلح را که همچنان به درگیری‌های مسلحانه ادامه می‌دهند، ۳۰ الی ۴۰ هزار نفر اعلام کرده است. طی ماههای اخیر صدها تن از فرماندهان مسلح مخالف دولت، با مقامات رهبری کشور تماس حاصل کرده و به نشانه ابراز حسن نیت نسبت به فراخوان مصالحه ملی به جنگ پایان داده‌اند. در محافل سیاسی واشنگتن نیز اکنون گفته می‌شود که چهار پنجم فرماندهان محلی "مجاهدین" در داخل کشور عملیات جنگی خود را متوقف

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فورم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر بستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

| | | | |
|-----------|---------|-------------|----------------------------------|
| دیگر نقاط | اروپا | بهای اشتراك | <input type="checkbox"/> شش ماهه |
| ۱۳ مارك | ۱۱ مارك | نشریه "کار" | <input type="checkbox"/> يك ساله |
| ۲۴ | ۲۱ | | |

| | | | |
|-----------|---------|----------------|----------------------------------|
| دیگر نقاط | اروپا | بهای اشتراك | <input type="checkbox"/> سه ماهه |
| ۳۰ مارك | ۲۷ مارك | نشریه "اکثریت" | <input type="checkbox"/> شش ماهه |
| ۵۸ | ۵۲ | | <input type="checkbox"/> يك ساله |
| ۱۱۵ | ۱۰۲ | | |

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 290
MONDAY, 22. Jan 90

حساب بانکی،
AUSTRIA . WIEN
BAWAG
BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک‌هایی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید